

آخرین نامه ها و توصیه های لنین (۲)

۲۴ دسامبر ۱۹۲۲

استالین بیش از اندازه خشن است و این کمبودی که در میان ما و در مناسبات میان ما کمونیست ها تحمل شدنی است، در مقام دبیرکلی تحمل ناپذیر می گردد. از این رو به رفقا پیشنهاد می کنم که راه حلی جهت برکنار کردن استالین از این مقام پیش بینی کنند، تا در صورت نیاز در این مقام فردی دیگر گمارده شود که بردبارتر، سخن پذیرتر و مودب تر از استالین باشد. برای پیشگیری از انشعاب و آنچه در بالا درباره مناسبات متقابل استالین و ترتسکی نوشته ام، این نکته نیز می تواند اهمیتی سرنوشت ساز بیابد.

۲۶ دسامبر ۱۹۲۲

به گمان من، افزایش شمار اعضای کمیته مرکزی تا پنجاه و یا حتی تا صد نفر باید هدف های دوگانه یا سه گانه داشته باشد: هر چه شمار اعضای کمیته مرکزی بیشتر باشد، آموزش کادر در کمیته مرکزی نیز بیشتر و خطر انشعاب کمتر خواهد شد. کشاندن بسیاری از کارگران به کمیته مرکزی، به کارگران در بهبود دستگاه ما که بسیار بد است، یاری خواهد کرد. این دستگاه در واقع مرده ریگی است که از رژیم پیشین به ما رسیده است و دگرگون کردن آن در زمانی کوتاه، بویژه هنگام جنگ، هنگام قحطی و جز اینها یکسره ناممکن بوده است. از این رو به خرده گیرانی که با تمسخر و یا از روی بدخواهی انگشت بر کمبودهای دستگاه ما می گذارند، می توان به آرامی پاسخ داد که آنان به هیچ روی شرایط انقلاب کنونی را درک نمی کنند. در طول پنج سال، بویژه در شرایطی که انقلاب در آن شرایط انجام گرفت، دگرگون ساختن دستگاه به هیچ روی ممکن نیست. همین بسنده است که ما در پنج سال دولتی طراز نوین پدید آورده ایم که در آن کارگران، در پیشاپیش دهقانان، رویاروی بورژوازی می ایستند و این، در شرایط حال و روز دشمنانه بین المللی، کاری است بس سترگ، اما این درک نباید به هیچ روی این نکته را از ما بپوشاند، که ما دستگاه کهنه را از تزار و از بورژوازی گرفته ایم و اینکه اکنون با فرا رسیدن صلح و تامین حداقل نیازها در قبال قحطی، همه کارها می بایست به سوی بهبود دستگاه باشد.

من چشم انداز کار را بدین گونه می بینم که ده ها کارگری که به ترکیب کمیته مرکزی در می آیند، می توانند بهتر از هر کس دیگر به بازرسی، بهبود و باز سازی دستگاه ما بپردازند. بازرسی کارگری- دهقانی که در آغاز این وظیفه را بر عهده داشت. چنانکه روشن گردید، نتوانست از عهده انجام آن برآید و باید در شرایطی معین تنها چون «تابع» و یا یاری دهند این اعضای کمیته مرکزی، از آن بهره گیری شود. کارگرانی که به ترکیب کمیته مرکزی در می آیند، می بایست، بیشترشان از آن کارگرانی نباشند که زمانی دراز در خدمت دستگاه های شوروی بوده اند (در این بخش نامه من، در همه جا مراد از کارگران، دهقانان نیز هستند)، زیرا این کارگران دارای سنت ها و اعتقادات معینی شده اند، که می بایست با آن مبارزه کرد.

در میان کارگران عضو کمیته مرکزی، می بایست بیشتر کارگرانی باشند که از قشر ارگرانی که طی پنج سال در شمار کارمندان شوروی درآمده اند پائین تر و به آن کارگران و دهقانان عادی که در ضمن در زمره بهره کشان بی میانجی یا غیرمستقیم نیستند، نزدیکتر باشند. فکر می کنم چنین کارگرانی با حضور در همه جلسات کمیته مرکزی، در همه جلسات

پولیت بورو و خواندن همه اسناد کمیته مرکزی می توانند کادر هواداران وفادار نظام شوروی باشند که قادرند، نخست اینکه به خود کمیته مرکزی استواری بخشند و دوم اینکه بتوانند برآستی برای نوسازی و بهبود دستگاه کار کنند.

۲۶ دسامبر ۱۹۲۲

(این نامه برای نخستین بار، در سال ۱۹۵۶ در مجله «کمونیست» ش. ۹ چاپ شد.)

به گمانم این اندیشه از آن رفیق ترتسکی است. من با آن مخالفت کردم، زیرا بر آن بودم که در سیستم ادارات قانون گذاری ما، ناهمخوانی اساسی، همین کار خواهد بود. اما پس از بررسی دقیق، دریافتم که در اینجا اندیشه سالمی هست که همانا: برنامه ریزی دولتی با آنکه مجموعه ای از افراد آگاه، کارشناسان و نمایندگان علم و تکنیک و دارای بیشترین اطلاعات برای دآوری درست درباره کارهاست، تا اندازه ای از کنترل قانون گذاری برکنار است. نا گفته نماند که تا کنون از این دیدگاه پیروی می کردیم که برنامه ریزی دولتی می بایست مطالب را با بررسی انتقادی به دولت ادامه دهد و ادارات دولتی می بایست امور دولتی را حل و فصل کنند. فکر می کنم که در حال و روز کنونی، هنگامی که امور دولتی به گونه ای خارق العاده پیچیده تر شده است، هنگامی که می بایست مسائلی را که نظردهی اعضای برنامه ریزی دولتی در آن ضروری است، سراسر در آمیختگی با مسائلی که به چنین کاری در آن نیاز نیست، باز شده شود، حتی بیشتر از این، اموری را حل و فصل کنیم که برخی مواد آن نیاز به نظرخواهی برنامه ریزی دولتی دارد و در آمیزش با موادی است که نیازی به چنین کار نیست، به فکر من در حال حاضر باید بسوی افزایش اختیارات برنامه ریزی گام برداریم.

فکر می کنم این گام، باید چنین باشد که تصمیمات برنامه ریزی دولتی را مقررات معمولی شوروی نتوانند نادیده انگارند و برای تصمیم مجدد درباره آنها مقررات ویژه ای باشد، چنانچه مساله به دوره اجلاس کمیته اجرائیه مرکزی سراسر روسیه ارجاع گردد، مساله برای تصمیم گیری مجدد، پیرو دستورالعملی ویژه و همخوان و براساس مقرراتی خاص، آماده گردد و برای سنجش این نکته که آیا این تصمیم برنامه ریزی دولتی بایستی لغو گردد یا نه، گزارش هایی تهیه شود و سرانجام برای تصمیم گیری مجدد پیرامون مساله برنامه ریزی دولتی مهلت هایی ویژه معین گردد و جز اینها.

در این مورد، فکر می کنم که می توان و باید از رفیق ترتسکی استقبال کرد، اما نه در مورد صدارت فرد خاصی از پیشوایان سیاسی ما و یا نماینده شورای عالی اقتصاد ملی در برنامه ریزی دولتی و جز اینها. در حال حاضر در این مورد، مساله خصوصی با مساله اصولی بیش از اندازه بهم بافته شده است. فکر می کنم آن حملاتی که اکنون به رفیق کرژیزانفسکی صدر برنامه ریزی دولتی و به رفیق پیاتاکف معاون او به گوش می رسد و حملاتی که از دو سو رد و بدل می گردد- از یک سو اتهام به ملایمت، بی ثباتی در رای و سست عنصری بی اندازه به گوش می رسد و از سوئی دیگر اتهام به ناپاکی، قزاق منشی بسیار و کمبود در آمادگی شایسته علمی و جز اینها- فکر می کنم که این حملات، نمایانگر دو سوی مساله هستند و بزرگ کردن آنها تا بی نهایت و اینکه در برنامه ریزی دولتی، ما، به پیوند دادن ماهرانه دو گونه ویژگی نیازمندیم که نمونه یکی از آنها می تواند پیاتاکف باشد و نمونه دیگری، کرژیزانفسکی.

فکر می کنم در راس برنامه ریز دولتی باید فرد باشد از یک سو با فرهیختگی علمی و بویژه دارای دانش فنی و یا کشاورزی با چند ده سال کار تجربه سنجیده شونده عملی یا در رشته فنی و یا در رشته کشاورزی. فکر می کنم که چنین فردی باید بیشتر دارای تجربه

گسترده و استعداد در کشانیدن مردم به سوی خویش باشد، تا برخورداری از ویژگی های رهبری اداری.

راه توسعه